

Study of Arabic Translation of “*Her Eyes*” According to Bremen’s Deconstructive Method

Tayebeh Amirian*

Abstract

Translation criticism, based on the patterns of cognitive translations, is a criterion to describe the translation function in the target language by preserving literature and understanding the meaning of the source language. The validity of the translation of the novel will also be measured and represented with meticulous awareness of the shortcomings and its positive features according to the principles of translation evaluation models. Antone Breman, whose basis of his translational viewpoint is based on the source text, explains the twelve deforming tendencies between the source, target language named “deconstructive method” or “distortion factors”. According to this theory, when the number of changing trends in the translation process is more significant, the translator has distorted the original text more. In this study, we want to consider the perspective of Bremen’s deconstructive tendencies with respect to the alien text and foreign, Arabic translation called “Aynaha” by Ahmad Musa of “Her Eyes” written by Bozorg Alavi. The main focus of this research is to review the dominant trends in text change by translator mentioning to citing the evidence and proposed translation. Findings of the study confirm six trends of twelve Bremen deconstructive tendencies, and it claims that the translator, according to his own taste, has made changes in translation, and he was not loyal to the source text.

Keywords: Deconstructive Tendencies, Bremen, Bozorg Alavi, Her Eyes

* PhD of Arabic Language and Literature, Kermanshah, Iran, taebemiriy@yahoo.com

Date received: 18/10/2020, Date of acceptance: 16/03/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی ترجمه عربی «عیناها» طبق الگوی ریخت‌شکناهی برمن

طیبه امیریان*

چکیده

ارزیابی ترجمه براساس الگوهای ترجمه‌شناختی، معیاری برای توصیف کارکرد ترجمه در زبان مقصد با حفظ ادبیت و دریافت معنای زبان مبدأ است. اعتبار ترجمه یک اثر هم با آگاهی موشکافانه از کاستی‌ها و ویژگی‌های مثبت آن طبق اصول الگوهای ارزیابی ترجمه سنجیده و بازنمایی می‌شود. آنتوان برمن که مدار نظرگاه ترجمه‌شناسی وی بر متن مبدأ استوار است، از دوازده محور کارکردی میان زبان مقصد و مبدأ با نام «گرایش‌های ریخت‌شکناهی» یا «عوامل تحریف و تغییر» سخن به میان می‌آورد. طبق این نظریه هرچه تعداد گرایش‌های تغییردهنده در فرآیند ترجمه بیشتر باشد، به همان میزان مترجم متن اصلی را تحریف کرده است. در این پژوهش با دیدگاه گرایش‌های ریخت‌شکناهی برمن مبنی بر احترام به متن بیگانه و دیگری، برگردان عربی رمان چشم‌هایش بزرگ علوی را با عنوان عیناها از احمد موسی بررسی شده است. تمرکز عمده این پژوهش، بررسی گرایش‌های غالب تغییر متن از سوی مترجم با ذکر شواهد و ترجمه پیشنهادی است. یافته‌های پژوهش شش گرایش از دوازده مؤلفه ریخت‌شکناهی برمن را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد مترجم حسب ذوق خویش و ناآشنایی بادامنه اطلاق واژه‌ها در زبان فارسی در ترجمه تصرفاتی انجام داده و به متن مبدأ وفادار نبوده است.

کلیدواژه‌ها: گرایش‌های ریخت‌شکناهی، برمن، بزرگ علوی، چشم‌هایش.

۱. مقدمه

ترجمه که عنوان یک عمل ارتباطی «بین‌زبانی» از حرفه‌ای‌ترین و هنری‌ترین ابزارهای تلاقی فکری و فرهنگی میان دو زبان شناخته شده پیوسته بحثی محل مناقشه و کم و بیش آموزنده

* دکترای زبان و ادبیات عربی، کرمانشاه، ایران، taebemirianyahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

بوده است. در فرآیند ترجمه، مترجم با هدف انتقال اندیشه یک ملت به ملت دیگر در تمام سطوح زبانی به صورت سامان‌یافته به سنجش و بازآفرینی تولیدات فکری با همه ملزومات هویتی زبان مبدأ اقدام به ترجمه می‌کند. با وصف این کارکرد، نظریه‌پردازان گستره ترجمه را "پردازش" و "بزنویسی" متن (Bremann 1999: 72) یا «عرصه بازی تولید فرهنگی که به مراتب دشوارتر از نگارش نخست است»، دانسته‌اند (Haddadian 2014: 18). بنابراین مترجم هر اندازه در حوزه‌ی متن اصلی و متن ترجمه اندیشه، ساختار هنری، سازه معنایی و هویت زبانی را رعایت کند، به همان اندازه می‌تواند ترجمه‌ای امین و ملزم به هم‌سنجی زبانی متن اصلی ارائه دهد. اینجاست که می‌توان گفت ترجمه رنگ و بویی از آفرینش دوباره اثر دارد و می‌تواند در ادبیات زبان مبدأ چون فرزندی خودی مأوا گزیند. لکن این را هم باید پذیرفت که ترجمه به مثابه فرآیند تلاقی زبان‌ها از عیب و نقص گریز ناپذیر نیست، از این روی، نقد ترجمه یا ترجمه‌شناسی (Translatology) با «نظریه‌های مبدأگرا که به مطالعه جنبه‌های بازآفرینی زبان مبدأ در تمام سطوح می‌پردازد» (Guidere 2008: 12)، «اصلی‌ترین حلقه اتصال میان نظریه ترجمه و عمل ترجمه به شمار می‌رود» (نیومارک ۱۳۷۲: ۲۳۹). نقد ترجمه همچنین راهی برای آشنایی بیشتر مترجمان با کژکارکردی‌های ترجمه و طبقه‌بندی آنها و ارائه دیدگاه‌های مؤثر در حل مشکلات ترجمه و پرهیز از هر نوع تغییر و ریزش زبانی و معنایی از زبان مبدأ است. در همین ارتباط در دوران معاصر نقد ترجمه و به طور خاص نقد ترجمه آثار ادبی به دلیل داشتن هسته‌های کلامی و سویه‌های معنایی بی‌شمار موضوعی مناقشه برانگیز، تأثیرگذار، آموزنده و ادامه‌دار است. با این وصف دریافت دلالت‌های معانی موجود در آثار ادبی و ترجمه‌ی آنها از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون خدشه وارد کردن به صورت و معنای زبانی اثر، کاری موشکافانه است. از همین روی هر یک از نظرگاه‌های نقد ترجمه به کندوکاو جنبه‌هایی از روند ترجمه در آثار ادبی می‌پردازند.

نظریه ترجمه ریخت‌شکنانه (Deforming Tendencies) یا "گرایش‌های ناسازگار" یا "سیستم تحریف متن" آنتوان برمن (۱۹۴۲-۱۹۹۱) در رابطه با فرآیند ترجمه آثار ادبی در انتقال دو مقوله شکل و معنا و انتقال لذت و کارکرد ادبی متن به خواننده، مبتنی بر رعایت دوازده اصل است که موجب سلامت ترجمه می‌شود. سلامت از این نظر که اثر ترجمه‌ای را با کمترین تغییر و تحریف در شکل و سبک نویسنده مواجه می‌کند، زیرا به اعتقاد برمن «ترجمه یک بعد اخلاقی است که مترجم بایستی روح امانت و دقت را رعایت کند و نه یک شور ادبی و زیبایی‌شناسی» (برمن ۲۰۱۰: ۱۲). البته نمی‌توان قاطعانه از برتری نظریه‌ای در

ترجمه‌شناسی انواع متون ادبی سخن گفت، «اما می‌توان مرتبه‌ای بالاتر برای نظرگاه‌های مبدأگرا مانند نظرگاه آنتوان برمن در نظر داشت از آن جهت که پای شکل و معنا در میان است» (لطاقتی ۱۳۹۲: ۱۱۶)، برمن با ارائه سیستم‌های تحریف متن به فاصله میان متن مبدأ و متن ترجمه می‌رسد. به دیگر سخن، در نظرگاه انتقادی ترجمه‌ای برمن، «ترجمه نوعی نوشتار و انتقال معنا است، و انتقال واقعی معنا فقط از دیدگاه اخلاقی سنجیده می‌شود» (Berman 1994: 17)، و این رویکرد نظریه برمن دلیل اصلی انتخاب نویسنده جهت تطبیق ترجمه مقصود در جستار حاضر است.

در تاریخ ادبیات معاصر شمار ترجمه‌ها از آثار ادبی مدرنیست فارسی از جمله رمان و داستان‌های کوتاه به زبان‌های بیگانه بنا به دلایل ویژگی‌هایی همچون سبک معنایی و زبانی خاص، تصویرپردازی، پیروی از الزامات داستان نویسی برای خلق فضاهای ادبی فردی و جمعی و نیز خلق جهانی به خوداشارتگر با ورود به شاهراه‌های ادبیات داستانی جهان، فزونی چشمگیری یافته و به همان میزان هم انتقادهای در خصوص کیفیت دقت و درستی ترجمه اثر بر اساس نظریه‌های مختلف ترجمه گسترش یافته است. رمان چشم‌هایش نوشته بزرگ علوی (۱۲۸۲-۱۳۷۵)، روزنامه‌نگار، استاد زبان و ادبیات فارسی، مترجم و منتقد ادبی، از جمله داستان‌های جریان‌ساز و تأثیرگذار بر ادبیات داستانی ایران است که در سال‌های اخیر توجه مترجمان خارجی را به خود جلب کرده است و تاکنون مترجمانی چون: احمد موسی^۱ (۲۰۱۴م) در مغرب و احمد حیدری (۲۰۱۶م) در لبنان به زبان عربی، جان اوکان (John O'kane) (۱۹۸۹م) زیر نظر احسان یارشاطر در آمریکا به زبان انگلیسی آن را ترجمه کرده‌اند و توانسته است خوانندگانی را در فراسوی مرزهای ایران بیابد.

۱.۱ روش و اهمیت و فرضیه پژوهش

نگارنده با تکیه بر دو روش کمی و کیفی به تحلیل داده‌های حاصل از تطبیق کامل ترجمه عربی احمد موسی با متن فارسی رمان می‌پردازد. براین اساس، در پژوهش حاضر به صورت آماری، پربسامدترین موارد انحرافی مترجم به صورت تقریبی، طبق مؤلفه‌های ریخت‌شکنانه نظریه آنتوان برمن، برای مقابله متن ترجمه با متن رمان بیان خواهند شد. پس از تحلیل کیفی نمونه‌ها، شیوه‌های انحرافی مترجم و تأثیر معنایی و ساختاری این انحرافات در ترجمه بیان خواهد شد. بنابراین مسأله سبب ساز جستار پیش روی این است که:

۱. آیا مطابق مؤلفه‌های نظریه ریخت‌شکنانه یا انحرافی آنتوان برمن، احمد موسی در فرآیند ترجمه وفادار به ساختار هنری و هویت زبانی رمان چشم‌هایش با تمام ملزوماتش بوده است؟

چنین می‌نماید که اعتبارسنجی کیفیت ترجمه عربی احمد موسی از رمان چشم‌هایش با نظرآوری مؤلفه‌های رویکرد مبدأ‌گرای برمن در وفاداری ترجمه‌اش قابل‌سنجش و تطبیق است.

۲.۱ پیشینه پژوهش

نظریه نقد ترجمه ای آنتوان برمن بر این باور است که در فرآیند ترجمه متن باید اصالت و غریبگی اش را در زبان مقصد حفظ کند و مترجم از هرگونه تغییر چون حذف، اضافه، اطناب، تغییر ساختار زبان در ترجمه متن اصلی پرهیز کند. مؤلفه‌ها و زمینه‌های این نظریه در آرای ناقدان و پژوهشگران خارجی و داخلی مورد بررسی و موشکافی قرار گرفته است. آنتوان برمن برای نخستین بار در کتاب «The Experience of the Foreign: Culture and Translation in Romantic Germany» به تحلیل معتبر تئوری ترجمه در رمانتیسیم آلمانی می‌پردازد. او در یک مطالعه منظم از هدر، گوته، شلگل، شلاپرماخر و دیگران اهمیت نظریه ترجمه را برای درک فرهنگ عاشقانه آلمانی نشان می‌دهد. وی به‌گزینه‌ش لفظ مناسب از دیگری به فرهنگ معین، جوهره اثر هنری اشاره می‌کند (۱۹۹۲). فارنچسکو کنی در مقاله «Antoine Berman's way-making to translation as a creative and critical act» با استفاده از طیف گسترده‌ای از آثار برمن، تفکر وی را در مورد ترجمه فلسفه مدرن، به ویژه فلسفه هایدگر و گادامر را بررسی می‌کند. وی پس از بحث در مورد علاقه اولیه برمن به برداشت‌های رمانتیک آلمانی از زبان و شعر و روش‌هایی که این سنت به مفهوم وی در ترجمه کمک کرده است، به تحلیل استفاده برمن از تعبیر هرمنوتیکی برای زمینه نقد ترجمه به عنوان یک انتقاد سازنده و تعبیر دوباره توسط مترجم به عنوان یک موضوع می‌پردازد (۲۰۱۰).

از میان پژوهشگران ایرانی هم مهدی پور هم در جستار «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن، از نظر آنتوان برمن» با آوردن نمونه‌هایی اجمالی به بررسی رویکردهای چندگانه نظریه برمن به این نتیجه می‌رسد که مؤلفه‌های نقد ترجمه ای برمن کمال‌گرایانه هستند و در عمل ترجمه‌چندان کاربردی ندارند (۱۳۸۹).

دیگر پژوهش مهران زنده بودی در مقاله «از خود و دیگری و گرایش های تحریفی در گفتمان ترجمه شناسی آنتوان برمن تا ترجمه ناپذیری» علاوه بر بررسی گرایش های تحریفی ترجمه طبق نظر برمن به این نتیجه می رسد که دو مفهوم "خود" و "دیگری" به مفهوم ترجمه ناپذیری رهنمون می شود (۱۳۹۰). محمدرحیم احمدی در مقاله «آنتوان برمن و نظریه «گرایش های ریخت شکنانه» معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه» با بررسی ترجمه آثار فرانسوی به زبان فارسی به کاربست ها و همچنین موانع احتمالی کاربرد این نظریه را در نقد ترجمه در ایران می پردازد (۱۳۹۲).

در رابطه با رمان چشمه‌های هم تاکنون از منظر رویکردهای گوناگون نقد روایت‌شناسی مورد پژوهش‌های فراوانی واقع شده است که از آن جمله می توان به پژوهش «بررسی روایت در رمان «چشمه‌های» از دیدگاه ژرار ژنت» نوشته محمدپاشایی (۱۳۹۴) گریزی زد که محقق به براساس دیدگاه ژرار ژنت در تحیل خط روایتی و ترتیب حوادث داستانی بهره جسته است. اما تاجایی که نویسنده این پژوهش اطلاع دارد تا کنون درباره نقد و ارزیابی ترجمه عربی رمان طبق الگوهای ترجمه شناسی چه در داخل و چه در خارج از کشور به طور خاص پژوهشی انجام نشده است. بر این اساس، بررسی ترجمه عربی چشمه‌های طبق الگوی ریخت‌شکنانه برمن در نوع خود جدید به شمار می آید.

۲. خلاصه رمان چشمه‌های

رمان چشمه‌های حکایت از خودگذشتگی زنی زیبا از طبقه مرفه و ثروتمند به نام "فرنگیس" در حق یک هنرمند متعهد و مبارز به نام استاد "ماکان" است که هرگز از فداکاری آن زن در حق خویش آگاه نمی شود. استاد ماکان نقاش نامی و فعال و مبارز سیاسی است که به صورت پنهانی علیه دیکتاتوری حکومت رضا شاه فعالیت می کند. در میان آثار استاد یک پرده نقاشی متعلق به زمان تبعیدش بود که استاد با دست خط خودش زیر آن نوشته بود "چشمه‌های"، تصویرگر چشمان غریب زنی است که رازی را در خود نهان کرده است.

راوی رمان، ناظم مدرسه و مدیر نمایشگاه آثار استاد ماکان پس از مرگش است. ناظم بسیار مشتاق است که راز چشم‌های این پرده استاد را دریابد. بنابراین او سال‌ها تلاش می کند تا زن صاحب چشم‌های تابلوی نقاشی را که استاد آن را می شناخته و نقاشی کرده است، بیابد و از چگونگی ارتباط او با استاد ماکان آگاه شود. پس از سال‌ها ناظم

مدرسه زن مورد نظر را می‌یابد و در خانه او با هم گفت‌وگو می‌کنند. زن به او می‌گوید که او دختری از خاندانی ثروتمند بوده است و به خاطر زیباییش مردان بسیاری به راحتی به او دل می‌بسته‌اند و زن هیچ توجهی به عشق آنها نمی‌کرده و یا آنها را هم به بازیچه می‌گرفته‌است. اما استاد تنها کسی بود که توانست قلب او را تسخیر کند. کسی که توجهی به زیبایی، ثروت و موقعیت خانوادگی زن نداشت. زن شیفته شخصیت استاد می‌شود و برای جلب توجه استاد با تشکیلات مخفی سیاسی زیر نظر او همکاری می‌کند، اما استاد نه فداکاری‌های او را جدی می‌گیرد و نه احساسات و عشق او را نسبت به خود در می‌یابد.

سرانجام استاد دستگیر می‌شود و زن به درخواست ازدواج سرهنگ آرام، رئیس شهربانی که از خواستگاران قدیمی او بوده است، به شرط نجات استاد از مرگ و تبعیدش به روستایی دور دست پاسخ مثبت می‌دهد. استاد به تبعید می‌رود و هرگز از فداکاری زن در حقش آگاه نمی‌شود و در تبعید پرده چشمهایش را که تصویرگر چشم‌های زنی مرموز، اما هوس‌باز و خطرناک را نمایان می‌کند، می‌کشد. زن می‌داند که استاد هرگز او را نشناخته است و این چشم‌ها از آن او نیست.

با اختصار می‌توان گفت که از نظر تاریخی و جامعه‌شناسی ادبیات، در رمان چشمهایش تصویر سنتی و عرفی زن در ادبیات فارسی جای خود را به تصویر موقعیتی زنانه می‌دهد که هیچ شباهتی با معشوق آرمانی عاشقانه‌های ادبیات کلاسیک فارسی ندارند. این رمان از دو بخش کما بیش متمایز اما پیرامون هدفی مشخص شکل گرفته، که طبق روایت رمان آن هدف توصیف یا شناختن یک زن ناشناس است. یا به دیگر سخن، معرفی خود حقیقی زن به مردی است که سالها در جستجوی صاحب چشمهای یک تابلوی نقاشی است. رمان چشمهایش به همان اندازه که از نظر سبک نوشتاری ساده، سلیس و یکدست می‌نماید از نظر زبانی دارای ساختار زبانی و ترکیب نحوی و معنایی در سطح بالاتری قرار دارد که فهم و حفظ لحن متن و سبک نویسنده در ترجمه اثر، مهر تاییدی بر اعتبار ترجمه به منظور فهم و درک محتوای رمان برای خواننده در زبان مقصد است.

ترجمه احمد موسی از رمان چشمهایش، نخستین ترجمه عربی رمان است و این امر دلیل اصلی انتخاب ترجمه برای ارزیابی و تطبیق آن با متن اصلی رمان نه به منظور جستن خطاهای لغوی، بلکه یافتن طنین معنایی و فرهنگی واژگان زبان متن مبدأ به اقتضای سرشت آنها در زبان مقصد است. با بررسی ترجمه احمد موسی و تطبیق آن با متن فارسی

رمان معلوم می‌شود که مترجم در ترجمه‌اش به خوبی توانسته است از پیچ و تاب‌های زبانی و ادبی رمان عبور کند، گرچه ترجمه او به تعبیر برمن از کژکارکردها و ناسازگاری‌ها خالی نیست. به نظر می‌رسد مترجم از برخی از عوامل تغییر متن در ترجمه رمان در امان نبوده است. بنابراین باتوجه به نظرگاه آنتوان برمن، به مقابله ترجمه عربی احمد موسی با عنوان *عیناها* با رمان چشمه‌هایش مطابق الگوهای ریخت‌شکنانه برمن می‌پردازیم، تا ببینیم چگونه انحرافات ترجمه‌ای مترجم در چارچوب کلمات و مؤلفه‌های نظریه برمن گنجانده می‌شود.

۳. درآمدی بر نظریه ریخت‌شکنانه آنتوان برمن

آنتوان برمن فیلسوف، منتقد ادبیات و فلسفه، تاریخدان و مترجم فرانسوی، از نظریه‌پردازان مبدأگرا در گستره ترجمه است که با نقد ترجمه مترجمان آثار کلاسیک و معاصر آلمانی و اسپانیایی مبانی نظری خود را در مقاله «ترجمه و آزمون دیگری» (Translation and the trials of the foreign) درباره ترجمه مبتنی بر دوازده الگو ارائه می‌دهد. برمن در این مقاله بر این باور است که «مترجم هرگز از عوامل تغییر شکل دهنده مبرا نیست، زیرا ساختار قومی هر فرهنگ و زبان همچون سنت دیرینه چنین رویکردی آنها را ذاتی هر ترجمه‌ای کرده است» (Breman 2000: 284).

برمن هرگونه «حذف، اضافه، تغییر در سبک نویسنده، تغییر ساختار زبان را تحریف متن اصلی می‌شمرد و از آن به عنوان سیستم تحریف متن یاد می‌کند» (مهدی پور ۱۳۸۹: ۵۸). زیرا به اعتقاد وی «ترجمه، عبارت است از ترجمه حرف، بدین معنا که متن به مثابه یک حرف است و حرف جوهر بیگانه و نهایی ترجمه است» (میلود ۲۰۱۷: ۳۹۳). گفته می‌شود برمن ارزشی فلسفی برای انتخاب کلمات هر دو نویسنده (خالق اول) و مترجم (خالق دوم) به ارمغان می‌آورد. وی معتقد است نظرگاهش جهان شمول است و قابلیت کاربرد در همه زبان‌ها را دارد. از این روی، بینش وی به ترجمه بر این مبنا است که «دریافت متن ترجمه به عنوان متن بیگانه است» (ماندی ۱۳۸۹: ۳۲۴) و اثر ترجمه کنشی ادبی از مترجم و تولیدی نوشتاری در ادبیات زبان مبدأ به شمار می‌آید و احترام به بیگانه، متن بیگانه و به غرابت آن متن ضروری و حیاتی است. به همین منظور است که نظریه نقد ترجمه برمن با هدف نقد روش‌های غلط مترجم در نادیده‌انگاری «دیگری»، از جمله فرهنگ و زبان دیگری در متن بیگانه سعی در ارائه ترجمه‌های قوم محور و معطوف به خواننده دارند (احمدی ۱۳۹۲: ۱۲).

از دیدگاه برمن «خیانت در ترجمه داستان و رمان در واقع یعنی عدم توانایی ارتباط با زبان بیگانه و زبانی که آن صورت (داستان) بیانگر آن است» (همان: ۳) و تغییر ریخت و شکل زبان اثر توسط مترجم است، زیرا این امر به نوعی نابودی و تحریف متن اصلی است. در سیستم تحریف متن نظریه برمن دوازده عاملی که سبب تحریف در ترجمه می‌شوند عبارتند از: «منطقی‌سازی»، «واضح‌سازی»، «تطویل یا اطناب کلام»، «تفاخرگرایی»، «غنازادایی کیفی»، «غنازادایی کمی»، «همگون سازی متن»، «تخریب ضرب آهنگ»، «تخریب شبکه‌های دلالتی زیرین»، «تخریب سیستم زبانی»، «تخریب شبکه‌های زبان بومی» و «تخریب عبارات و خاصگی‌های زبان».

از آنجایی که هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند به طور مطلق مبدأگرا یا مقصدگرا باشد، ترجمه احمد موسی از رمان چشم‌هایش نیز از این اصل جدا نیست و به طور طبیعی حاوی کژکارکردهای ترجمه‌ای است که این انحرافات را طبق سیستم تحریفی متن آنتوان برمن روی ترجمه عربی در شش گرایش بررسی خواهیم کرد.

۱.۳ منطقی‌سازی (عقلایی‌سازی) (La rationalization, Rationalization):

برمن منطقی‌سازی را «تغییر جملات در یک نظم خاص که منجر به تغییرات خاص در معنا می‌شود»^۲ می‌داند (Bremann 1999: 54). بدین ترتیب که مترجم با ایجاد تغییر در ساختار نحوی، ترتیب جملات موصولی و معترضه و شیوه‌ی علائم سجاوندی متن مبدأ و منظور نویسنده و تنها با توجه به نظم گفتمان، چیدمان و زنجیره کلمات متن مقصد عبارات و جملات را بازتولید می‌کند.

برمن معتقد است نثر، از قبیل رمان، به دلیل برخورداری از تکرار، تعدد جملات موصولی و معترضه، جملات بلند و بدون فعل، دارای ساختاری شاخه شاخه است. مترجم با عقلانی‌سازی، این ساختار شاخه شاخه را به ساختار خطی تبدیل می‌کند. بنابراین هرگونه فاصله‌گیری از ساختار متن اصلی و تغییر در آن تحریف محسوب می‌شود (مهدی پور ۱۳۸۹: ۵۹). البته گاه مترجم این تغییرات را از سر ذوق و آزادانه، آنهم بدون در نظر گرفتن ماهیت اصلی رمان و ذهنیات نویسنده ایجاد می‌کند. اما در هر صورت این کار به تغییراتی در ساختار نحوی و علائم نگارشی متن مبدأ می‌انجامد. در برگردان احمد موسی تقریباً ۳۰ نمونه از مؤلفه منطقی‌سازی یافت شده است، به این گونه که ارکان جمله در متن مبدأ را به همان صورت انتقال نداده و مترجم خود را ملزم به مراعات قواعد و ساختار نحوی

رمان ندانسته است و تغییراتی در اجزای کلام و شیوه علامتگذاری ایجاد کرده است که از نظر برمن مترجم سعی در منطقی‌سازی آنها دارد.

به عنوان مثال در عبارت: «من جرأت نمی‌کنم، حتی وقتی که تنها صورت او را در خاطر هام می‌بینم، بدی از او به زبان بیاورم» (علوی ۱۳۹۳: ۸۸). ترجمه: «أنا لا أجرؤ على أن أتفوه بكلمة سيئة في حقه، حتى حينما أكون وحيدة وأستحضر وجهه» (موسی ۲۰۱۴: ۱۲۵). جمله «حتى حينما أكون وحيدة وأستحضر وجهه» در متن اصلی به عنوان جمله معترضه است که با علامت ویرگول ابتدا و انتهای آن معین شده است. این جمله کنایه از «شدت ترس و کمی جرأت» است که برای توضیح بیشتر و تأکید معنای جمله ماقبل آمده است. اگر این جمله در انتها آورده شود دیگر یک جمله اعتراضیه نیست بلکه جمله‌ای ابتدائیه می‌شود که معنای تأکید از آن دریافت نمی‌شود. مترجم بدون توجه به عملکرد معنایی جمله و قصد نویسنده، آن را در انتها آورده است. این در حالی است که مترجم با رعایت ساختار زبانی و نحوی و معنایی متن مبدأ و بدون پس و پیش کردن عبارات، می‌تواند جمله‌ای سلیس و مطابق با ساختار و ارکان رمان به مخاطب ارائه دهد.

- ترجمه پیشنهادی: أنا لا أجرؤ، حتى حينما أكون وحيدة وأستحضر وجهه في بالي، على أن أتفوه بكلمة سيئة في حقه.

نمونه‌ای دیگر: «میل کردم به هر قیمتی شده خودم بروم و این چشم‌های روی پرده را ببینم، تسلیم شدم» (علوی ۱۳۹۳: ۳۵) ترجمه: «أردت أن أذهب بنفسي مهما كلف الأمر وأشاهد العينين اللتين في اللوحة استسلمت» (موسی ۲۰۱۴: ۵۷)، ترتیب توالی عبارت‌ها در متن ترجمه شده رعایت نشده است. مترجم بدون توجه به نقش جایگاه جمله معترضه تأکیدی «به هر قیمتی شده» در متن، ترجمه آن را در انتها آورده است. این جابجا کردن توسط مترجم سبب تخریب ساختار زبان در متن مبدأ و عدم توجه به هدف و منظور معنایی نویسنده می‌شود.

- ترجمه پیشنهادی: أردت بأى ثمن أن أذهب بنفسي وأشاهد العينين اللتين في اللوحة، استسلمت.

ترجمه عدد، جنسیت ضمائر و مرجع آنها از زبان مبدأ به زبان مقصد از جمله انحرافات است که مترجمان دچار آن می‌شوند. «از این روی تصریح برای پیشگیری از به‌وجود آمدن ابهام بر اثر اختلاف در کاربرد ضمائر بسیار به مترجم سود می‌رساند» (Baker 1996:180). از این روی، تصریح در ضمائر در ساخت‌های نحوی هر دو زبان فارسی و

عربی به شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی معنایی متن منجر می‌شود. در نمونه: «همه از خودشان می‌ترسیدند» (علوی ۱۳۹۳: ۵)، ترجمه: «الْجَمِيعُ يَخْشَى نَفْسَهُ» (موسی ۲۰۱۴: ۱). در این مثال مترجم بدون در نظر گرفتن ضمیر مشترک "خودشان" که مرجع آن "همه" است، در متن ترجمه هر دو ضمیر را به صورت مفرد و نه جمع ترجمه کرده است.

- ترجمه پیشنهادی: الْجَمِيعُ يَخْشَى أَنْفُسَهُمْ.

در جدول (الف) شماری از موارد منطقی‌سازی به شکل انحراف در عدم رعایت علائم نگارشی و ترجمه ضمیر آورده شده است.

جدول الف. نمونه‌هایی از تغییر ساختار نحوی و علائم نگارشی

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
گفتم: «ده بگوئید!»	عَجِبْتُ، قُولِي لِي!
پیراهن سبزی که بر تن داشت، به او می‌آمد،	كَانَ الْفِئْتَانُ الْأَخْضَرُ مُوَاتِبًا لَهَا.
گوئی نادانسته می‌خواست به من توهین بکند.	كَأَنِّي بِهِ يُرِيدُ، غَيْرَ قَاصِدٍ أَنْ يُهِنَنِي
اینها مست هستند و اسباب اذیت مرا فراهم می‌کنند.	إِنَّهُمْ سُكَارَى، وَيَسْتَسْبُونَ لَنَا بِالْأَذَى
هنوز هم به من دل می‌بازند.	مَا زَالُوا، إِلَى الْآنَ، يَسْقُطُونَ فِي حِبَالِ غَرَامِي

۲.۳ واضح‌سازی (شفاف‌سازی) (La clarification, Clarification):

مؤلفه واضح‌سازی در نظریه آنتوان برمن چنین تعریف شده است: «توضیح اصطلاحات مبهم متون منبع»^۳ (Bremas, 1999:55) یا گرایش به تعریف کردن یا معین کردن آنچه که نویسنده می‌خواهد نامعین بماند (احمدی ۱۳۹۲: ۵)، و نه آنچه که مبهم است. هدف مترجم واضح نمودن کلام نویسنده است و نه ابهام‌زدایی. تفاوت واضح‌سازی با ابهام‌زدایی در این است که ابهام‌زدایی از آن گفتار دارای ابهام و معانی متعدد است.

سبک نوشتاری علوی در رمان چشم‌هایش ساده و بی‌تکلف است. با این وجود در مقایسه متن فارسی این رمان با ترجمه عربی‌اش به مواردی برمی‌خوریم که حاکی از واضح‌سازی و توضیح نامعین مترجم در مواردی است که نویسنده خواسته است واضح نباشد. احمد موسی بدون در نظر گرفتن فضای روایتی رمان و قصد نویسنده در ترجمه‌ی عربی به واضح‌سازی‌های غیرضروری دست زده است.

در نمونه: «أنها همه به من می‌خندند، اما ته دلشان از من بیزارند» (علوی ۱۳۹۳: ۷۰)، ترجمه: «إِنَّهِنَّ يَحْتَقِرُنَنِي جَمِيعُهُنَّ، مُتَزَعِّجَاتٌ مَنِّي مِنْ أَعْمَاقِ قُلُوبِهِنَّ» (موسی ۲۰۱۴: ۱۰۱) اگر چه هدف نویسنده از آوردن فعل "خندیدن" اراده معنای کنایی تحقیر و تمسخر کردن است، اما مترجم آن را شفاف با ذکر فعل "يَحْتَقِرُنَنِي" در ترجمه آورده است و با این کار به فهم راحت خواننده در معنای عبارت کمک می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که بدون این شفاف‌سازی، علاوه بر جلوگیری از کژکارکردی و تحریف و تغییر ترجمه، خواننده خود با پی بردن معنای کنایی کلام نویسنده لذت بیشتری از خواندن می‌برد، زیرا به طور طبیعی خواننده با مطالعه رمان در جریان حوادث قبلی قرار گرفته و می‌تواند به زیبایی معنای جملات را تشخیص دهد و مترجم تنها با تبعیت از متن اصلی ترجمه کند.

در نمونه: «در عین حال به اسم انگشت نگاری و امور پلیسی، حقوقی هم از دولت می‌گرفت» (علوی ۱۳۹۳: ۱۸۲)، ترجمه: «وَفِي الْوَقْتِ نَفْسِهِ يَأْخُذُ رَاتِبًا مِنَ الدَّوْلَةِ لِقَاءَ مُزَاوَلَتِهِ الْمُهَامَ الْبُولِيسِيَّةَ وَالْمُخَابِرَاتِيَّةَ» (موسی ۲۰۱۴: ۲۵۶)، مترجم علاوه بر اینکه ترکیب "به اسم انگشت نگاری" را ترجمه نکرده است، بلکه وی کاملاً به شیوه‌ای تفسیری و توضیحی ترکیب "امور پلیسی حقوقی" را به "المهام البوليسية والمخابراتية" برگردانده است. این در حالی است که نویسنده خواسته است به صورت ضمنی و نه مستقیم به معنای "جاسوسی" اشاره کند.

- ترجمه پیشنهادی: فِي الْوَقْتِ نَفْسِهِ، كَانَ يَأْخُذُ رَاتِبًا بِاسْمِ بَصْمَةِ الْإِصْبَعِ وَالْمُهَامِ الْبُولِيسِيَّةِ مِنَ الدَّوْلَةِ.

گرایش مترجم به شفاف‌سازی در ترجمه رمان بسامدی برابر ۲۶ مورد داشته که جدول (ب) نمونه‌های دیگری را نشان می‌دهد.

جدول ب. نمونه‌هایی از واضح‌سازی

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
من با هیچکس محرم نیستم	لَا تَرِبْتُني عَلاَقَةً عَمِيَّةً بِأَحَدٍ
نوشتن شرح زندگانی استاد برای بسیاری ناندانی شده‌بود	بَاتَ تَأْلِيْفُ كُتُبٍ عَن سِيرَةِ الْأَسْتَاذِ مَجَالاً لِكَسْبِ الرِّزْقِ يَطْرُقُهُ الْكَثِيرُونَ.
مثل اینکه یک زن هرجائی می‌خواهد تقلید درآورد	كَأَنَّمَا إِمْرَأَةٌ عَاهِرَةٌ تَقُومُ بِتَقْلِيدِ إِمْرَأَةٍ أُخْرَى
سگ کی باشن؟ مگه شهر هرته؟	الْكَلَابُ مَنْ يَكُونُونَ؟ هَلْ يَحْسِبُونَ أَنَّ الْمَدِينَةَ الْفَوْضَى وَلَا نِظَامَ فِيهَا؟

کیف می‌کردم آنها را بجزانم.	كُنْتُ أَتَلَذُّ بِتَعْدِيهِمْ وَإِنَارَةَ غَضَبِهِمْ.
-----------------------------	--

۳.۳ تطویل (اطناب کلام) (L'allongement, Expansion):

تعریف برمن از مؤلفه اطناب در نظرگاهش چنین است: «تولید متن‌های طولانی‌تر از متن‌هایی که اصلی هستند در نتیجه "منطقی‌سازی" و "واضح‌سازی"»^۴ (Bremas, 1999: 56). بنابراین گفته، اگر چه برمن اطناب در ترجمه را حاصل دو گرایش منطقی‌سازی و شفاف‌سازی می‌بیند، اما غرض وی از اطناب اضافاتی است که مترجم بنا به سلیقه خود به متن ترجمه می‌افزاید؛ بدون آنکه جان متن را غنایی ببخشد و به بار معنایی و گفتمانی آن بیافزاید. از این رو تنها سبب انباشتن حجم کلمات می‌شود که می‌توان آن را نوعی "حشو" دانست. بررسی‌های به عمل آمده، تعداد ۳۵ مورد از مؤلفه‌ی اطناب در ترجمه‌ی "حشو" رمان به صورت‌های مترادف، باهم‌آیی و گاه توضیح نشان می‌دهد. از جمله: «با وجود تمام انتظاری که داشتم» (علوی ۱۳۹۳: ۳۳). ترجمه: «عَلَى الرَّغْمِ مِنْ كُلِّ الْإِنْتِظَارِ وَ التَّرْقُبِ الذِّي كَانَ لَدِيَّ» (موسی ۲۰۱۴: ۵۵). مترجم دو واژه‌ی «الْإِنْتِظَارِ وَ التَّرْقُبِ» را در برگردان تک واژه «انتظار» قرار داده است. واژه‌ی «انتظار» در همنشینی با دیگر واژگان جمله معنای "چشم‌داشت" می‌دهد، که مترجم ترجمه آن را به «الْإِنْتِظَارِ وَ التَّرْقُبِ» متشکل از دو کلمه در قالب نظام عطف گنجانده است تا به این نحو وجوه معنایی موجود در کلمه انتظار را دربرگیرد. این درحالی است که واژه «التَّرْقُبِ» علاوه بر انتظار برای رسیدن به نتیجه مطلوب، معنای تعلیق و انتظار همراه با ترس هم می‌دهد.

- ترجمه پیشنهادی: عَلَى الرَّغْمِ مِنْ كُلِّ الْإِنْتِظَارِ الذِّي كَانَ لَدِيَّ.

در نمونه: «تف به روی کسی که ادا در می‌آورد!» (علوی ۱۳۹۳: ۴۵)، ترجمه: «سَأَبْصُقُ فِي وَجْهِ مَنْ يَنْظَاهِرُ وَيَقُومُ بِتَمَثِيلِ الْأَدْوَارِ» (موسی ۲۰۱۴: ۷۰). «ادا درآوردن» یعنی «به تصنع حالتی چون خشم و کراهت و مانندان نمودن» و هم به معنای شکلک درآوردن و به تمسخر تقلید کسی را درآوردن است (دهخدا ۱۳۷۷: ج ۱: ۱۵۵۱). با این توجه، مترجم دو ترجمه «يَنْظَاهِرُ وَيَقُومُ بِتَمَثِيلِ الْأَدْوَارِ» را به صورت معطوف برای فعل «ادا درآوردن» آورده است. این در حالی است که «ادا درآوردن» در متن با توجه به فضای داستان معنای "وانمود کردن و تظاهر کردن" است. این اطناب در ترجمه از آن جهت پدید آمده که مترجم دو وجه معنایی به صورت مترادف و معطوف برابر "ادا درآوردن" در زبان عربی را ذکر کرده است، درحالی که تنها آوردن یکی از آن دو کافی می‌نمود.

- ترجمه پیشنهادی: سَأْبُصُقُ فِي وَجْهِ مَنْ يَنْظَاهِرُ.

گاه اطناب در ترجمه احمد موسی در قالب باهم‌آیی و همنشینی واژگان مترادف است که ترکیب‌های موزون در کلام را سبب می‌شود. در نمونه: «نباید تصور کرد که رجال دوران دیکتاتوری هنرپرور بودند» (علوی ۱۳۹۳: ۲۰)، ترجمه: «يُنْبَغِي أَلَّا نَتَّصُورَ أَنَّ رِجَالَ الْعَهْدِ الدِّيكتاتُورِي كَانُوا مُحِبِّينَ لِلْفَنِّ وَ أَهْلِهِ» (موسی ۲۰۱۴: ۳۸). مترجم دو کلمه «الفن و أهله» را در برابر واژه «هنرپرور» به کار برده است، نخست باید گفت در زبان فارسی ترکیب‌هایی چون: "هنرپرور، هنردوست، هنرمند پرور و..." بی‌شمارند و به‌طور طبیعی برای هریک از آنها در زبان عربی معادل‌هایی یافت می‌شود. دوم آنکه این اطناب برخاسته از هم‌آیی معنایی کلمات است. البته هرچند برمن این موارد از اطناب را در زمره‌ی آراسته‌سازی می‌داند که در آن متن برای خدمت به معنا و فرمی زیباتر به شکل فاخرتر و والاتری از نظر ادبی، در مقابل متن مبدأ برگردان می‌شود (فرهادی و دیگران ۱۳۹۶: ۴۳).

- ترجمه پیشنهادی: يُنْبَغِي أَلَّا نَتَّصُورَ أَنَّ رِجَالَ الْعَهْدِ الدِّيكتاتُورِي كَانُوا مُحِبِّينَ لِلْفَنِّ.

در مثال: «اتومبیلها بی‌حیا بوق می‌زدند و شور و شر زندگانی را به رخ من می‌کشیدند» (علوی ۱۳۹۳: ۵۶)، ترجمه: «السَّيَّارَاتُ تُطَلِّقُ الْعِنَانَ لِأَبْوَاقِهَا دُونَ حَيَاءٍ أَوْ خَجَلٍ، وَ تُعَيِّرُنِي بِفُورَةِ الْحَيَاةِ وَ غَلِيَانِهَا» (موسی ۲۰۱۴: ۸۳). استفاده از دو واژه «دُونَ حَيَاءٍ أَوْ خَجَلٍ» با توجه به ترادف و همنشینی معنایی نزدیکی که دارند، متن ترجمه را خلاق‌تر کرده است، اما از آنجا که متن حاضر از گونه رمان است، لازم نیست مترجم ترجمه‌اش را زیباتر و خیال‌انگیزتر از متن اصلی کند. بنابراین بهتر است مترجم سعی در انتقال معانی و زیبایی موجود در متن داشته باشد، تا ترجمه با اطنابی که آنتوان برمن آن را جزء موارد انحرافی و تغییر در ترجمه می‌داند، دچار اختلال نشود. از سویی دیگر، با بررسی همنشینی واژه «بی‌حیا» در متن فارسی معلوم می‌شود که آن به معنای "ملاحظه نکردن و بی‌تفاوتی" است، و مترجم اصلاً این معنا را مد نظر قرار نداده است.

- ترجمه پیشنهادی: السَّيَّارَاتُ تُطَلِّقُ الْعِنَانَ لِأَبْوَاقِهَا دُونَ مُبَالَاةٍ، وَ تُعَيِّرُنِي بِفُورَةِ الْحَيَاةِ وَ غَلِيَانِهَا.

جدول ج. نمونه‌هایی از اطناب

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
و به او بگویم که دیگر اختیار از کف من دارد درمی‌رود	وَأَقُولُ لَهُ إِنَّ الْأَمْرَ اسْتَعْسَرَ عَلَيَّ وَإِنِّي أَفْقِدُ الْقُدْرَةَ فِي السِّيَاطِرَةِ عَلَيَّ نَفْسِي
هر چه اسم او از زبانها بیشتر می‌افتد احترام من به او بیشتر می‌شود	كُلَّمَا كَانَتْ الْأَلْسُنُ تَتَلَفَّظُ بِاسْمِهِ وَ تَلْهَجُ بِذِكْرِهِ يَزْدَادُ إِحْتِرَامِي لَهُ
به عقیده آنها کاری ندارم. اما بالأخره حرف حسابی سرشان می‌شود و مثل گوسفند علف چرانی نمی‌کنند	لَا تَهْمُنِي قَنَاعَتُهُمْ، لَكِنَّهُمْ يُدْرِكُونَ الْمَنْطِقَ الصَّحِيحَ، وَ لَمْ يَكُونُوا يَجْتَرُونَ الْكَلَامَ كَمَا تَجْتَرُ الْخِرْفَانُ الْعَلْفَ
کیف می‌کردم آنها را بجزانم	كُنْتُ أَتَلَذُّ بِعَدِيْبِهِمْ وَ إِثَارَةِ غَضَبِهِمْ

۴.۳ تفاخرگرایی (آراسته‌سازی) (L'ennoblissement, Ennoblissement):

برمن تفاخرگرایی را در نظم "شاعرانه‌سازی" و در نثر "بلیغ‌سازی" می‌نامد و آن را تولید جملات فاخر با بهره‌گرفتن از متن اصلی به عنوان «ماده خام» تعریف می‌کند. به گفته وی تفاخرگرایی به دلیل «ایجاد تغییر در سبک نویسنده برای مقاصد زیباشناسی است و این گرایش در قله ترجمه، ترجمه‌ای افلاطونی به دست می‌دهد»^۵ (Bremar, 1999: 56).

برمن تفاخرگرایی را گرایشی «افلاطونی» می‌داند که آن نتیجه کار مترجمانی است که متن مقصد را از جنبه ساختار و زبان زیباتر از متن اصلی در می‌آورند. در تفاخرگرایی، مترجم سبک و فرم اصلی را برهم می‌ریزد و سبکی نو خلق می‌کند که به نفع متن اصلی نیست (احمدی ۱۳۹۲: ۷).

در مقابله رمان چشمه‌هایش با متن ترجمه شده به مواردی بر می‌خوریم که مترجم برای زیباتر نشان دادن ترجمه از لحاظ زبانی به سطحی پایین‌تر و گاه به سطحی بهتر از متن اصلی دست می‌یابد. هرچند این کار سبب تغییر در فرم و سبک داستان و معنا می‌شود. موارد تفاخرگرایی که از سر ذوق و تمایل مترجم به آراسته‌سازی نشأت می‌گیرد، در ترجمه احمد موسی دیده می‌شود که از آنها به عنوان عوامل تغییر در متن ترجمه می‌توان نام برد.

در جمله: «مسلم بود این زن برای خاطر پرده «چشمه‌هایش» به حرف خواهد آمد» (علوی ۱۳۹۳: ۴۳)، ترجمه: «كَانَ وَاضِحًا أَنَّ هَذِهِ الْمَرْأَةَ سَتَفْتَحُ قُفْلَ لِسَانِهَا بِسَبَبِ لَوْحَةِ «عَيْنَاهَا»» (موسی ۲۰۱۴: ۶۷)، مترجم برای عبارت «به حرف خواهد آمد» معادل عامیانه و محاوره‌ای عربی «سَتَفْتَحُ قُفْلَ لِسَانِهَا» را که انتخابی زیباتر از متن فارسی است،

استفاده کرده‌است؛ به نظر می‌رسد که بهتر بود مترجم از معادل «سَتَحَدَّثُ» استفاده می‌کرد. چون علاوه بر نزدیکتر بودن به متن فارسی، ترجمه گرفتار عامیانه نویسی نمی‌شد. در نمونه‌ی زیر، مترجم سبک زبانی ترجمه‌ای که به جهت زیبایی بخشیدن به معنا به‌کار برده‌است، بالاتر از سطح متن اصلی است.

«می‌توان گفت که استاد کم‌کم دارد فراموش می‌شود» (علوی ۱۳۹۳: ۲۶)، ترجمه: «يُمْكِنُ الْقَوْلُ إِنَّ الْأُسْتَاذَ بَدَأَ تَدْرِيجِيًّا يَدْخُلُ عَالَمَ النَّسِيَانِ» (موسی ۲۰۱۴: ۴۶). گزینش برگردان «يَدْخُلُ عَالَمَ النَّسِيَانِ» بجای «فراموش می‌شود» از لحاظ زبانی و زیباشناسی آراسته‌تر از متن فارسی است و ساختاری ادبی‌تر را در ذهن خواننده تداعی می‌کند.

- ترجمه پیشنهادی: يُمْكِنُ الْقَوْلُ إِنَّ الْأُسْتَاذَ بَدَأَ تَدْرِيجِيًّا يَنْسِي.

دیگرآنکه در جمله: «به زور خودم را نگه داشتم» (علوی ۱۳۹۳: ۳۰)، ترجمه: «حَافَظْتُ عَلَيَّ رِبَاطَةَ جَاشِيٍّ بَصُوعِيَّةٍ» (موسی ۲۰۱۴: ۵۱)، مترجم معادلی زیباتر نسبت به متن اصلی استفاده کرده است.

احمد موسی اصطلاح «حَافَظْتُ عَلَيَّ رِبَاطَةَ جَاشِيٍّ» را که کنایه از خویشتنداری و صبر ورزیدن است، به متن افزوده است و متن ساده فارسی را که عاری از هرگونه ضرب‌المثل و اصطلاح است، به بیانی زیباتر به زبان عربی ترجمه کرده است، به طوری که مترجم با گزینش معادل بالا به ترجمه‌اش رنگ و بوی زبان عربی بخشیده است. برای پرهیز از تفاخرگرایی شاید انتخاب یک معادل در سطح معمول گفتار مناسب‌تر باشد.

- ترجمه پیشنهادی: حَافَظْتُ عَلَيَّ نَفْسِي بَصُوعِيَّةٍ.

جدول د. نمونه‌هایی از تفاخرگرایی

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
خنده دروغی کرد	رَسَمَ عَلَيْهَا إِبْتِسَامَةً كَاذِبَةً
من غافلگیر شدم	لَقَدْ أَخَذْتُ عَلَيَّ حِينَ غَرَةٍ
انقلاب روحی مرا ادراک نکند	وَأَلَّا يُدْرِكَ الثُّورَةَ الَّتِي اسْتَعْرَتْ فِي رُوحِي
بیا و ازدها را در زندگی اجتماعی مردم ایران بکش	فَأَقْتَلِي الْوُحُوشَ الَّتِي تَجْتُمُّ عَلَيَّ قُلُوبِ النَّاسِ فِي آيْرَانِ
رنگش پریده بود	كَانَ وَجْهَهَا قَدْ عَلَاهُ الْإِصْفَرَارُ

۵.۳ غنازدایی کیفی (تضعیف کیفی) (L'appauvrissement qualitatif,) :(Amelioration qualitative)

برمن این گرایش ریخت‌شکنانه را چنین تعریف می‌کند: «عدم توانایی پیدا کردن عبارات معادل در زبان مقصد از لحاظ غنای غریزی یا ادبی»^۶ (Berman 1999:57).

این نوع تحریف از جایگزین کردن کلمات، اصطلاحات و پیچ‌وخم جملات با کلمات و اصطلاحاتی که از لحاظ غنای معنایی، آوایی و طنین کلمات، در سطح واژه مبدأ نیستند، شکل می‌گیرد (مهدی‌پور ۱۳۸۹: ۶۰). با جایگزین کردن اصطلاحات معادل زبان مقصد در کل سبب تخریب گفتمان متن اصلی می‌شود (همان: ۶۲). از این روی، به نظر منتقدان این گرایش تحریفی نظریه برمن یکی از دشوارترین جنبه‌های ترجمه و در بسیاری از موارد غیرقابل اجتناب به شمار آید.

در مثال: «بی‌گذار به آب می‌زدم» (علوی ۱۳۹۳: ۱۴۹)، ترجمه: «وَأَعْبُرُ الْمَاءَ دُونَمَا مَعْبَرٍ» (موسی ۲۰۱۴: ۲۰۹). احمد موسی برای ضرب‌المثل «بی‌گذار به آب زدن» معادل مناسبی گزینش نکرده است و از لحاظ معنایی متن را تحریف نموده است. البته پرهیز از این تحریف متن از یک جانب با توجه به گوناگونی فرهنگی دو زبان فارسی و عربی، امری دشوار است و از جانب دیگر هر زبانی اصطلاحات زبانی و معنایی خاص خود را دارد و معادل‌سازی نکردن آنها در فرهنگ مقصد امری پذیرفته نشده است.

- ترجمه پیشنهادی: كُنْتُ أَتَصَرَّفُ بِتَهْوُرٍ.

در جمله: «دماغ مرا سوزاند» (علوی ۱۳۹۳: ۶۸). ترجمه: «لَقَدْ أَثَارَ غَضَبِي» (موسی ۲۰۱۴: ۹۸). ضرب‌المثل «دماغ کسی را سوزاندن» کنایه است از کسی را قرین شکست و ناکامی کردن (دهخدا ۱۳۷۷: ج ۳: ۴۶۲۱). احمد موسی در وهله نخست معنای کنایه آن را متوجه نشده است و از آن معنای «خشم کسی را برانگیختن» برداشت کرده است. در نتیجه در ترجمه آن دچار اشتباه و انحراف شده است.

- ترجمه پیشنهادی: بَدَأُ فِي مُضَابِقَتِي.

بسامد گرایش غنازدایی کیفی در تطبیق ترجمه احمد موسی با متن رمان بیش از ۵۰ مورد است.

جدول ه. نمونه‌های غنازدایی کیفی

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
کارگاه او جمع پریشان بود	كَانَ مَرَسْمُهُ جَامِعاً لِكُلِّ النَّاسِ
سرهنگ آرام از آن ناتوهاست و باید باش ساخت	أَنَّ الْعَقِيدَ أَرَامَ مِنْ أَوْلَادِكَ الْغَرِيبِينَ الَّذِينَ يَجِبُ التَّكْيِيفُ مَعَهُمْ
قرص جواب دادم	أَجَبْتُ مُتَلَعْمَةً
برای من آسمان ریسمان می‌بافی؟	أَتَتَّرِثِينَ؟
موی دماغ من می‌شد	تَتَدَخَّلُ فِي كُلِّ شَيْءٍ
بالآخره فهمید که سررشته‌ای در دست من هست	فَهَمْتُ ذَخِيرًا أَنْ رَأْسَ الْخَيْطِ بِيَدِي أَنَا

۶.۳ غنازدایی کمی (تضعیف کمی) (L'appauvrissement quantitative, Quantitative impoverishment):

عبارت است از تخریب (کاهش) و یا هدر رفتن واژگانی تدریجی که به بافت لغوی اثر آسیب می‌رساند. به تعبیر دقیقتر از برمن عامل غنازدایی کمی موجب: «ایجاد ضایعات واژگانی در متن هدف می‌شود»^۷ (Breman, 1999: 57)

برمن معتقد است که گاهی برای یک مدلول، چندین دال وجود دارد و انتخاب یک دال به غنازدایی کمی منجر می‌شود (مهدی پور ۱۳۸۹: ۴). از این روی است که مترجم برای چند واژه تنها یک معادل ارائه می‌دهد که این امر سرانجام به ریزش و تخریب لغتی یک متن منتهی می‌شود. همچنین گاهی تخریب تدریجی می‌تواند ترجمه نکردن بخشی از متن مبدأ در متن مقصد باشد. در این صورت بخشی از گویایی متن از دست می‌رود و منجر به تحریف و تضعیف متن می‌شود.

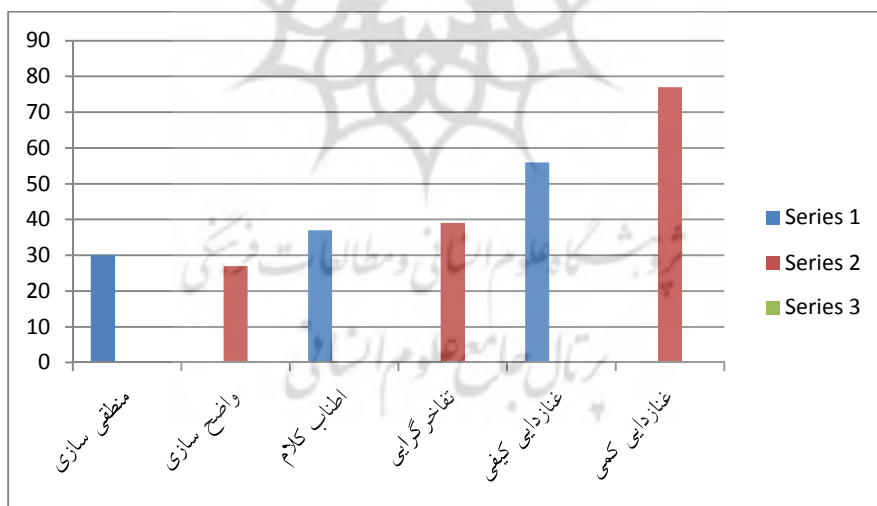
در جمله: «چشمهایش را به روی زمین دوخته بود» (علوی ۱۳۹۳: ۸۴)، ترجمه: «كَانَتْ عَيْنَاهَا مُحَدِّقَتَيْنِ إِلَى غِطَاءِ الطَّوَلَةِ» (موسی ۲۰۱۴: ۱۲۰)، مترجم در برابر واژه «زمین» معادل «غِطَاءِ الطَّوَلَةِ» را آورده است و ترجمه‌ای غیر از معنای اصلی واژه متن مبدأ آورده است، که بر اساس نظریه برمن در ترجمه متن تحریف یا همان غنازدایی کمی صورت گرفته است.

نمونه‌ای دیگر از غنازدایی کمی در جمله «زنک معطل نشد و گفت: بفرمایید تو» (علوی ۱۳۹۳: ۵۷)، ترجمه: «لَمْ تَتَأَخَّرِ الْمَرْأَةُ وَقَالَتْ: تَفَضَّلْ إِلَى الدَّخْلِ» (موسی ۲۰۱۴: ۸۵). واژه «زنک = زن + ک تحقیر و توهین، تحیب، ترحم و دلسوزی، تفخیم و تعظیم» دارای

معانی مختلفی از جمله «زن پست، زن مظلوم، زن کوچک» است و واژه «المرأة» تنها به معنای «خانم» است. مترجم برای ترجمه این واژه تنها یک معنای «زن» را آورده است و ترجمه‌ی «زن+ک+ترحم» را در ترجمه اساسا فرو گذاشته است. شمار گرایش‌های غنازدایی کمی در ترجمه احمد موسی بیش از ۷۰ مورد بوده است.

جدول و. نمونه‌های غنازدایی کمی

شرح فارسی	برگردان عربی مترجم
تمام حالت در لبخند نیست که دور لبان او پرپر می زند	كَانَتْ حَالَتُهُ كُلُّهَا تَعَكِّسُهَا إِتِسَامَةً
این را دیگر می دانست. خود را باخته بودم. دیگر لو رفته بودم. حالا او بر من تسلط دارد	كَانَ يَعْلَمُ هَذَا، لَقَدْ انْكَشَفَ أَمْرِي، وَالْآنَ هُوَ مَنْ يُسَيِّرُ عَلَيَّ
از زیر چشم متوجه تمام حرکات او بودم	رَاقِبْتُ حَرَكَاتِهَا
اساسا این مرد علاقه به تدریس داشت	لَمْ تُكُنْ لِهَذَا الرَّجُلِ رَغَبَةً فِي التَّدْرِيسِ فِي الْأَسَاسِ
آخر این یک سنگلاخ پرخطر است	إِنَّهَا أَرْضٌ صَخْرِيَّةٌ
ومن مجبور بودم دست به عصا بروم- اما این احساس را که داشتم	مترجم این جمله را ترجمه نکرده است



نمودار ۱. بسامد گرایش‌های انحرافی ششگانه

۴. نتیجه‌گیری

منظرگاه نقد ترجمه ای آنتوان برمن در یکی از فعال ترین نظریه ها برای نقد ترجمه است. از این روی با بررسی شش مورد از شبکه تحریفی برمن در ترجمه احمد موسی از رمان چشمه‌هایش وفادار به متن اصلی بوده است. بسیاری از عبارات ترجمه شده در نگاه نخست درست به نظر می رسد لکن با اعمال نظریه برمن و کاوش بیشتر میزان انحرافات و کژکاردهای مترجم از متن مبدأ مشخص گردید. با بررسی بسامد فراوانی گرایشات انحرافی ترجمه‌ای در ترجمه عربی احمد موسی و همچنین با ارائه جدول‌ها و نمودار از اطلاعات به دست آمده می توان گفت:

۱. در بین هفت مؤلفه کاربردی به ترتیب غنازدایی کمی و غنازدایی کیفی، فراوانی بیشتری نسبت به سایر گرایش‌ها در ترجمه احمد موسی از ترجمه رمان چشمه‌هایش داشتند. این امر حدی از فاصله معنایی بین متن اصلی و ترجمه را به وضوح نشان می دهد.
۲. مترجم از گرایش تفاخرگرایی در امان نمانده است. این گرایش به نحوی به بازآفرینی زیبایی شناختی مترجم برمی گردد و حاکی از آن است که مترجم در پی دستیابی به صورتی زیبا در ترجمه و تسلیم سلیقه‌ی خوانندگان مقصد بوده است. فرآیند تفاخرگرایی و اطناب هر دو تقریباً به طور یکسان جزء موارد انحرافی در ترجمه احمد موسی هستند. این دو مؤلفه در شفاف سازی متن مبدأ نیز تأثیر گذاشته است
۳. مترجم به دلیل تفاوت‌های ساختاری دو زبان فارسی و عربی در جملات ناگزیر از عملکرد منطقی سازی بوده است. مترجم در مواردی غیر ضروری دست به شفاف سازی متن مقصد در ترجمه زده است که بهتر می بود از آن پرهیز کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. احمد موسی (۱۹۷۳م) استاد زبان و ادب فارسی و عضو گروه علمی زبان‌های شرقی در دانشگاه شعیب الدکالی مغرب است. او از معدود نویسندگان و مترجمان عرب است که در ترجمه و تألیف کتاب در حیطه ادبیات معاصر ایرانی قلم زده است. موسی تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و دکتری‌اش را در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی به پایان رساند. وی تاکنون تعدادی از داستان‌ها و رمان‌های ایرانی و کتاب‌های ادبی از جمله: مجموعه داستان‌های "آبشوران" علی اشرف درویشیان، "سمفونی مردگان" عباس معروفی، "ملکوت" بهرام صادقی، "پیشگامان داستان کوتاه معاصر فارسی" مهدی یزدانی خرم و نیز گزیده‌ای از

سروده‌های سهراب سپهری را به زبان عربی برگردانده است. ترجمه گلچینی از بهترین داستان‌های کوتاه ایرانی از مشهورترین داستان‌نویسان ایرانی همچون جمالزاده، صادق هدایت، جلال آل‌احمد، بهرام صادقی از دیگر کارهای در دست اقدام احمد موسی است.

2. «rationalisation déforme l'original en inversant sa tendance de base (la concrétude) et en linéarisation ses arborescences syntactiques»
3. « « clair » ce qui n'est pas clair ou ce que le texte dans l'original a calculé en sous entendu »
4. « L'allongement, en outre, est un relâchement portant atteinte à la rythmique de l'œuvre »
5. « C'est le sommet de la traduction platonicienne, « L'esthétique vient ici compléter la logique de la rationalisation: rendre le discours tout beau ». Berman considère que chez les classiques français, cet ordre était très courant »
6. « Il renvoie au remplacement des termes, expressions, tournures, etc. de l'original par des termes, expressions, tournures qui n'ont ni leur richesse sonore, ni leur richesse signifiante ou iconique comme les mots allusifs ou les métaphoriques »
7. « Il s'agit de la déperdition lexicale. Dans la prose existe la prolifération de signifiants et de chaînes (syntaxique) de signifiants. Si la traduction ne rend pas l'image des signifiants non fixés, le texte traduit en quantité sera reconnu pauvre »

کتاب‌نامه

- احمدی، محمد رحیم (۱۳۹۲)، «آنتوان برمن و نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنا»؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه»، مجله نقد زبان و ادبیات خارجی. (پیاپی ۶۸)، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۰.
- برمن، آنتوان (۲۰۱۰)، الترجمة والحرف أو مقام البعد، ترجمه: عزالدین الخطابی، مراجعة: جرج كتوره، الطبعة الأولى، بیروت: المنظمة العربية للترجمة.
- پاشایی، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی روایت در رمان «چشم‌هایش» از دیدگاه ژرار ژنت»، مجله زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، سال ۶۸، بهار و تابستان ۱۳۹۴، مسلسل ۲۳۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، جلد اول و سوم (آ- ادبی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- زننده بودی، مهران (۱۳۹۰)، «از خود و دیگری و گرایش‌های تحریفی در گفتمان ترجمه‌شناختی آنتوان برمن تا ترجمه ناپذیری»، مجله مطالعات ترجمه، دوره ۹، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۳۴.
- علوی، بزرگ (۱۳۹۳)، چشم‌هایش، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نگاه.

فرهادی، محمد و سید محمود میرزایی الحسینی و علی نظری (۱۳۹۶)، «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان)»، دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال هفتم، شماره ۱۷.

لطاقتی، رؤیا (۱۳۹۲ هـ. ش)، «ترجمه، مرکب سفر به دیگر سو»، مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۱۸، شماره ۱.

ماندی، جرمی (۱۳۸۹)، درآمدی بر مطالعات ترجمه، ترجمه: الهه ستوده و فریده حق بین، تهران: نشر علم.

ملیود، بوخال (۲۰۱۷م)، «نقد الترجمات عند أنطوان برمان»، مجله آفاق للعلوم، العدد الثامن، المجلد ۱.

موسی، احمد (۲۰۱۴)، عیناها، ترجمه روایة چشمه‌هایش، مراجعه: زبیده آشکنانی، المغرب: مکتبه مؤسسه عبدالواحد القادری.

مهدی‌پور، فاطمه (۱۳۸۹)، «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن، از نظر آنتوان برمن»، مجله کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۱، پیاپی (۱۵۵)، شهریور.

نیومارک، پیتر (۱۳۷۲)، دوره آموزش فنون ترجمه، ترجمه: منصور فهیم و سعید سبزیان، تهران: انتشارات رهنما.

- Baker, Mona (1996), "Corpuse-based Translation studies. The Challenges that lie Ahead", Harold Somers (ed.) *Termonology, LSP and Translation*, Amsterdam: John Benjamins.
- Berman, Antoine (2000), "Translation and the trials of the foreign, Translated by Lawrence Venuti", (ed.), *The Translation Studies Reader*, London: Routledge.
- Berman, Antoine (1992), "The Experience of the Foreign: Culture and Translation in Romantic Germany", Translated by S. Heyvaert, State University of New York press.
- Berman, Antoine (1994), "L'épreuve de l'étranger: Culture et traduction dans l'Allemagne romantique", Gallimard: Paris .
- Berman, Antoin (1999), "La Traduction et la Lettre ou L'auberge du Lointain, Les tours de Babel", Seuil: Paris.
- Guidère, Mathieu (2008), "Introduction a la traductologie", De Boeck, Bruxelles .
- Haddadian-Moghaddam, Esmail (2014), "Literary Translation in Modern Iran: A Sociological Study", Amsterdam & Philadelphia, John Benjamins publishing company .
- Massardier-Kenny, Françoise (2010), "Antoine Berman's way-making to translation as a creative and critical act", *Journal Translation Studies*, Volume 3, Issue 3 .